

استدلال گام به گام برای اثبات گرانش کوانتومی و اثبات وجود اتر

Step by Step Reasoning for the Proof of Quantum Gravity & Aether Existence

نگارنده: حمید

- 1) دست‌آورد های علوم در نهایت خود را از طریق مکانیک جامدات آشکار ساخته و به اشکال و احجام تبدیل می شوند. [2]
- 1) [1]
- 2) هندسه جهان شمول (فراگیر) است. [1]
- 3) وجود ناگزیر "عدم قطعیت" در اندازه گیری یا همان فرآیند شناخت پدیده های طبیعی، و ضرورت ارائه تعریفی کاربردی پذیر برای آن. [3] [4]
- 4) هندسه کوانتومی (کوانتیده) است. [2]
- 5) نادرستی "نظریه موج توماس بانگ" و همچنین "مفهوم دوگانگی موج-ذره". [5] [6] [7]
- 6) کوچکترین واحد طول امکان پذیر در طبیعت **طول دقیق پلانک**، $l_p = (1/6)^{37} \mu m$ ، است. این طول همچنین به طور نظری عدم قطعیتی است دست‌یافتنی در اندازه گیری. چون این عدم قطعیت صفر نیست، به این معنی که احتمال آن اگرچه بسیار بسیار کم است ولی بزرگتر از صفر می باشد، پس باید در طبیعت ذراتی وجود داشته باشند که شکلی کاملاً گروی داشته و قطر آنها برابر با **طول دقیق پلانک** باشد. [2]
- 7) چون این طول کوچکترین در طبیعت (فیزیک) است، کوچکترین ذرات باید در تمام جهات اندازه ای یکسان و برابر با این طول داشته باشند و لذا نمی توانند شبیه ریسمان (String) یا چیز غیر گروی دیگری باشند. [2]
- 8) کوچکترین ذرات موجود در طبیعت به طور تنگاتنگ در سراسر گیتی پخش شده اند، همه بخش های آنرا پر کرده و در همه چیز نفوذ می کنند. [2]
- 9) با توجه به اینکه نیروی گرانش در همه چیز نفوذ می کند، می توان نتیجه گیری کرد که ذرات پیام رسان این نیرو همان کوچکترین ذرات در فیزیک هستند. بنابراین نیروی گرانش نیز کوانتومی (کوانتیده) است. [2]
- 10) بر اساس ملاک های موجود، با اثبات "گرانش کوانتومی" مبانی یا چارچوب کلی "نظریه همه چیز" مشخص می شود. پژوهش های انجام گرفته گویای این امر است که این نظریه در حقیقت مئدولوزی شناخت پدیده های طبیعی، از جمله شیوه اندیشیدن انسان به طور فردی و جمعی، است. [8]
- 11) ناسازگاری های موجود در فرمول پلانک $E=h\nu$ و طیف الکترومغناطیسی برآمده از آن به قدری چشمگیر هستند که درجه اعتماد به آنها را به طور قابل ملاحظه ای کاهش می دهند. به همین سبب فرمول $E=\hbar b$ به عنوان فرمول جابگزین معرفی شده است. در این فرمول حرف "b" نماد "بسامد" است که تعریف مخصوص به خود را دارد. [9]
- 12) فرمول های $E=mc^2$ و $E=\hbar b$ همسان بوده و هرکدام از آنها را می توان از دیگری استنتاج نمود. این همسانی در حقیقت بیان ریاضی وار هم ارز بودن انرژی و ماده است. [10] [11]
- 13) با درک منطقی و ریاضی وار هندسه کوانتومی، خود به خود به چرایی وجود اتر پی خواهیم برد. [2]
- 14) با اطمینان از وجود فاصله بین ستارگان یا اجرام آسمانی می توان پذیرفت "فاصله" یا "دوری" چیزی است که وجودش در فضای تهی قطعی است. چون در طبیعت فاصله ای کمتر از **طول دقیق پلانک** ($1.615860018 \times 10^{-35} m$) به عنوان تنها **یکای طبیعی** (natural unit) وجود ندارد، پس وجود "حجم" در فضای تهی حتمی خواهد بود. به بیان دیگر، فضای تهی آنگونه که پنداشته می شود تهی نیست! به این ترتیب می توان پذیرفت که "حجم" تنها جوهری است که وجود دارد و جوهر مادی جداگانه ای قابل تصور نیست. [12]
- 15) از طرف دیگر گفته می شود "اتر" چیزی است نامرئی که در سراسر گیتی و حتی در فضای تهی نیز وجود دارد. بنابراین، "اتر" بن مایه یا جوهر تشکیل دهنده حجم است. به عبارت دیگر می توان پذیرفت که وجود "اتر" منطقی است. کوچکترین جزء آن، **ذره اتر** (Aether Particle)، همان کوچکترین ذره در طبیعت (فیزیک) است. [12]
- 16) چون ماده هر آن چیزی است که حجم و جرم داشته باشد، پس این ماده است که وجودش وابسته به وجود حجم خواهد بود نه بالعکس. به دیگر سخن، وجود ماده یا جرم بستگی به وجود جوهر شکل دهنده حجم یعنی اتر (Aether) دارد. [12]
- 17) از طرف دیگر، انرژی چیزی است که موجب می شود ماده حرکت کرده و تغییر نماید. بنابراین، انرژی نیز مستقل از ماده است. به همین سبب ذرات بدون جرمی همچون فوتونها، کوانتوم های انرژی، وجود دارند که در سراسر گیتی به صورت پرتو های الکترومغناطیسی مرئی و نامرئی با سرعت های گوناگون ($c=299,792,458 \pm 3 m/sec$) اما ثابت نسبت به اتر که ساکن است در حرکت اند. [12]
- 18) با در نظر گرفتن تمامی آنچه گفته شد می توان چنین استنتاج نمود که اتر یا "جوهر حجم" از جنس انرژی بوده و محیطی است که پرتو های الکترومغناطیسی (فوتونها) انرژی خود را از آن می گیرند. به عبارت دیگر، همان چارچوب مرجع لختی است که سرعت این پرتوها نسبت به آن معنا پیدا می کند. در حقیقت، "اتر" همان **فضای مطلق** (Absolute Space) است. این فضا از جنس انرژی بوده، بر ماده تقدم داشته و سرچشمه آنست. [12]

(چهاردهم مرداد ماه ۱۳۹۵)

توضیح:

- مقاله های [13] و [14] نیز می توانند در درک "نظریه همه چیز" یاری رسان باشند.
- متن نوشتار پیش رو در تاریخ ششم آگوست ۲۰۱۶ در سایت toequest.com نیز منتشر گردید که از اینجا قابل دسترسی است.